

پاسخ به حامیان و توجیه کنندگان چماقداری (رابطه چماقداری و امجدیه !!!)

اکنون چند روزیست که از هجوم وحشیانه چماقداران و اوباش به پشوانه، ز-۳ و گاز اشک آور، به مراسم مجاهدین خلق می‌گذرد. و با توجه به عقیق فاجعه، یکی از موضوعات عمده سیاسی-اجتماعی چند روز گذشته بودناست و در همین رابطه وجدان عمومی جامعه برای چندمین بار، چماق و چماقداری (این شیوه منحوس آریا سهری) قییدر صفحه ۲



سال اول - شماره ۸۹ - دوشنبه ۲۶ خرداد ماه ۱۳۵۹ - تک شماره ۵ ریال

سخنی با رادیو تلویزیون و برادران پاسدار

در باره‌ی مصاحبه‌های رادیو تلویزیونی پیرامون حمله به مراسم تجلیل از شهیدای مجاهدین خلق واقعتاً آنچه اتفاق افتاده است کاملاً روشن است، هزاران نفر صحنه‌های آن را به چشم دیده‌اند و کسی نیست که در آن شکی داشته باشد. ماچرا از این فرار است که سازمان مجاهدین خلق ایران به منظور تجلیل از شهیدایی که به گواهی سابق بسیار روشن و درخشان مبارزاتی‌شان از بهترین فرزندان اسلام و مردم بوده‌اند، مراسمی در صفحه ۴

حسین (ع) جلوه‌ی خونین اسلام انقلابی

آموخت که "زندگی جز عقیده و جهاد نیست" و با برادرانه بر این آموزش استناد می‌کرد. وقتی که پیامبر از دنیا رحلت نمود، حسن کودکی بیس نبود. تقدیر چنین بود که دوران سیرین کودکی، دوران بازی با بدر بزرگ مهربان، به زودی طی شود و حسن (ع) به واقعیت تلخی در زندگی بی انحراف تدریجی انقلاب، و بقییدر صفحه ۳

دنیای آمد که سالیان بعد از خون پاکش نهال خشکیده‌ی اسلام انقلابی بارور گشت و بر میدان گرم مبارزات رهائی بخش انسان سایه افکند و زینت شد. قهرمان حماسه‌آفرین بر مرکب را همچون زبور بر گردن فرزند آدم می‌دید که چون از آن گریزی نیست بس چه بهتر که با شمشیر و در راه خدا باشد. (ع) در خانه‌ی بلاخیز علی (ع) و در آغوش پیامبر و فاطمه (ع) و

مگر نمی‌بینید که حق عمل نمی‌شود و از باطل نمی‌گریزد. در این شرایط سزاوار است که مرد با ایمان، سرشار از سوق شهادت و دیدار پروردگار باشد. من برگ را جز سعادت و زندگی با سنگران را جز خواری و سقاوت نمی‌دانم. (حسین بی علی) روز سوم شعبان سال چهارم هجری، در خانه‌ی علی (ع) کودکی به

تبلیغات و فشار محدودیت علیه نیروهای انقلابی و هواداران اهل بیت آنچنان بالا گرفت که مبد گوئی و لعن آنان، چاشنی و لایز می‌هر منبر و خطابه‌ی گردید.

تقاضای مسعود رجوی از دفتر امام و ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم
آقای دکتر بنی صدر ریاست جمهوری محترم - بدینوسیله برای رسانیدن پیام استمداد ده‌هزار مضروب و هزاران مجروح و شهیدای فجاج چماقداری به عرض ملت ایران، تقاضا دارم مقرر نشاید صدا و سیما جمهوری اسلامی سخنرانی پنج‌نیم در ورزشگاه امجدیه را پخش نماید. غرض از این تقاضا، اطلاع عموم هم‌پیمانان شریفان از شمای مطالب مربوطه می‌باشد که اکنون به عنوان یک مسأله مبرم سیاسی و اجتماعی بسیاری از اذهان را بخود مشغول کرده‌است. به این ترتیب امیدوارم در صورت موافقت دفتر امام و ریاست جمهوری با پخش رادیو تلویزیونی مراسم امجدیه و در جریان قرار گرفتن عموم مردم، قضاوت عادلانه‌ی خلق بتواند شرایط را برای مهربان‌نمودن هر چه بیشتر پدیده‌ی زاینهار چماقداری و تخفیف تشنجات سیاسی کشور آماده سازد. از سوی دیگر پخش برنامه‌ی مزبور - در صورت موافقت و توضیح ریاست جمهوری و دفتر امام - قدیمی است در جهت تسلی خانواده‌ی شهیدای فجاج چماقداری و همی فرزندان پاک و معصوم دیگر این میهن که تاکنون طی این حوادث چشوها از دست داده و یا مضروب و مجروح گردیده‌اند. علیهذا، استدعای می‌کنم که پذیرش این تقاضا از جانب شما دور از انتظار نبود. و به عنوان یکی از عمده جریان‌های انقلابی مسلحانه‌ای که در دوران طاغوت آلام و رنجهای بسیار تحمل شده، سازمان مجاهدین خلق ایران با تمامی هواداران و زندانیان و خانواده‌های شهیدای فجاج چماقداری و خود را در تقدیم چنین تقاضائی محق می‌بیند. باشد که سایر زنان و مردان آزاده و شریف این مریزوم نیز ساعتی در جریان جراحات و دردهای دور و نزدیک ما قرار گیرند. باتشکر - مسعود رجوی ۵۹/۲۴ خرداد

سالروز شهادت مبارز قهرمان محمد بخاراکی و همروزمانش



همسر پدر طالقانی (غزول مست راست) در هنگام عبادت یکی از مجروحین امجدیه. محرومی که در عین مشاهده‌ی کفایت، خیرکار کانون ارادتی‌ترین است که به هنگام تهیه گزارش از مراسم پررکادت شهیدای مجاهدین در امجدیه، مورد احسانت گلوله‌ی ز-۳ واقع شد. مجروحین سازمان در جریان مراسم امجدیه عبادت کردند.

عیادت همسر پدر طالقانی از مجروحین خلق و خبر نگار کانون ارشاد شریعتی

آتش سلا حرمند بر سینه‌ی خاکن نشست ۲۶ خرداد با نود و هفتمین سالگرد شهادت سارزس دلاور محمد بخاراکی. رضا سقار هرنیدی، محمد صادق آملی و مرتضی بیگ‌زاد است. بقییدر صفحه ۳

پاسخ مجاهدین خلق به اطلاعاتیه‌ی روابط عمومی دادستانی کل انقلاب

سازمان مجاهدین خلق ایران از روابط عمومی دادستانی انقلاب می‌خواهد تا موضوع خود را در قبایل حقوق اساسی زندانیان انقلابی و نشریه‌ی ضد انقلابی مناقق (وابسته به حزب جمهوری) و همچنین دلایل تیراندازی علیه خانواده‌ی زندانیان مجاهد را روشن سازد.

اگر بر استی خواهان آگاه کردن کارگران هستید، چرا کارگران مبارز و آگاه را اخراج می‌کنید؟

در کارخانه‌ای که هنوز برای پیدا کردن طرح و نقشه‌ی آن، دائماً باید به آمریکا و ژاپن تلکس زد، با حفظ این روابط صحبت از تولید کردن خیالی بیش نیست.



این پای تلافی شده متعلق به مجاهد شهید مصطفی ذاکری است. عقیق زخمی تلافی و پراکندگی گوشت و رگ‌هایی، خود گواهی است بر اینکه برادر مجاهد مصطفی ذاکری چه گلوله‌ی بی‌رحمی توسط چکاسه‌ی پهلوانی در تهران در سال ۱۳۵۸ کشته شد. اما سالها بعد که باقی می‌ماند اینست که چرا تیرهای "هوایی" تا این حد راهگرم کردند !!!

در تاریخ ۵۹/۲/۱۷ سی و پنج نفر از کارگران و مهندسی شرکت ساختمانی مانا وابسته به مجتمع صنایع فولاد اهواز از شرکت اخراج شدند. مسئولین مربوطه اطلاعیه‌ای در این مورد انتشار داده و علت اخراج را عدم احتیاج کارخانه به کارگران مزبور ذکر نمودند. در میان افراد اخراج شده تعداد زیادی کارگر سازز و انقلابی وجود دارند که سابقه‌ی فعالیت سیاسی و مبارزاتی طولانی در جهت احقاق حقوق کارگران زحمتکش داشته‌اند. البته یکی دو عنصر وابسته نیز بین افراد اخراج شده قرار داده‌اند تا پوششی برای عمل ضد-کارگريشان باشد. در این رابطه با چندتن از کارگران اخراجی مصاحبه‌ی انجام داده‌ام که از نظراتان می‌گذرد. سن: لطفاً اگر ممکن است توضیحاتی در مورد پرونده‌ی مجتمع صنایع فولاد بدهید؟

نظر حاج سید احمد خمینی درباره حادته‌ی امجدیه

من حمله‌ی این اجتماعات را خیار نبهت به سلام می‌دانم. تهران - خبرگزاری پارس - نتایج سیاسی نبود و می‌دانستند حجت الاسلام سید احمد خمینی چکاساتی هستند و منزلشان کجاست بیرومن درگیری و حوادث روز و چند گریه هم در منزلشان دارد بیخشنده‌ی گذشته‌ی امجدیه در یکی از آنها هم دم نارد ولی یک گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس واقعه به این مهمی و دردآوری و شرم اظهار داشت: خیلی دردناک است، و خجالت آوری را اگر تحت تعقیب واقعه چه باید کرد؟ این موضوع قرار دهند ممکن است تحریک صحبت آن روز بوده است و بجا هم احساسات شود. مگر نمی‌گویند که از است. آخر شرم ندارد که عده‌ای که خوششان هم دخالت دارند، خوب است. آخر هم افرادی هستند که آدم دلش بگوشد چه کسی است و یا مجاهدین برایشان می‌سوزد. عده‌ای که می‌گویند ما طرف را می‌شناسیم تحریک شوند و به جان عده‌ای که بگذارید بپایند در تلویزیون بگویند می‌خواهند به یک سخنرانی گوش بدهند. اگر ناپت‌شد شما دم نارد و بگریید و دهند: هجوم کنند. این با چه خون آن جوان ناکام و کوری آن منطقی می‌خواند و قابل توجیه شخص و زخمی شدن بقیه را بدهید است. آخر مگر وزارت کشور اجازه "حزب فقط حزب‌الله" اگر مکنایش نداده است. مگر تمام مسئولین و غیر زدن است که آبروی الله را بردند مسئولین حملات سابق را به این مرگ بر این تفکر، من نمی‌شناسم اما اجتماعات محکوم نکرده‌اند آیا واقعه می‌دانم که این عده انسان‌های خوب محرکین را نمی‌شود شناسائی کرد که اکثر عوام حتماً تحریک می‌شوند و الا قطعا نظر سوتی دارند؟ چطور اگر ملاً به نماز جمعه حمله شود فوراً بقییدر صفحه ۲



بیمار زخمی‌ها و اول

سالروز شهادت مبارز قهرمان محمد بخارانی و همزمانش

پانزده سال پیش (سال ۱۳۴۴) در سحرگاه چنین روزی، رژیم وابسته شاه خائن، پس از حدود چهار ماه اسارت و شکنجه این مبارز را به جوخه آتش سیرد و با شهادت آنان برگ دیگری بر جنایات خود افزود.

بخارانی و یاران شهیدش از حدود سال ۱۳۴۰ فعالیت منظم مبارزاتی را بر علیه رژیم شاه آغاز کردند. در جریان "اصلاحات آمریکایی" دربار در بهمن ماه سال ۴۱، آنان با به راه انداختن تظاهراتی، نوظهور فرزندم کداتی شدند. در بخشی از نودهای مردم افشاء نمودند.

در خرداد ماه سال ۴۲، در تدارک تظاهرات دههزار نفری عاشورا به حمایت از امام خمینی نقش مهمی ایفا کردند.

این تظاهرات در ادامه خود به قیام خونین ۱۲ محرم (۱۵ خرداد) انجامید که با سرکوب خشن رژیم وابسته، سال بعد، بهمناسبت اولین سالگرد قیام خونین سال ۴۲، آنان دست به تدارک تظاهراتی بر علیه رژیم شاه و اسرائیل زدند که به دستگیری بیش از ۵۰ نفر منجرند.

آنان در زمینه تکریم و پخش اعلامیهها و پیامهای امام خمینی فعالیت چشمگیری داشتند. منحل شده در آبان ماه سال ۴۳، سخنرانی امام بر علیه کاپیتولاسیون را در سطح وسیعی در شهرهای مختلف پخش کردند. و نیز در همین ماه بهمناسبت تبعید امام، تظاهراتی را در بازار و محلات جنوب تهران به راه انداختند.

و بالاخره در اول بهمن ماه سال ۴۳، طرح ترسور حتملی منصور، نخستوزیر مزدور شاه را عملی نمودند. این عمل در جلوی در محسب اشغال شده شورای ملی، توسط بخارانی، با موفقیت انجام گرفت و آتش سلاح محمد بر سینه خائن نشست.

پس از این عمل، پلیس مزدور شاه دست به تهاجم وسیعی زد و بیش از صد نفر از مبارزین را دستگیر کرد. در بیدادگاههای درسته به محاکمه گشاند.

از آبان تا ۴ محرم به امام شدند. سحرگاه روز ۲۶ خرداد، سینه بر در در دلاوران محمد بخارانی، رضا فرهادی، محمد صادق آمانی و مرضی نیک‌نژاد، با گلوله‌های مزدوران رژیم از هم دریده شد و این ششگانه دیدار خدا، به ملاقات پروردگارتان شتافتند. درود بر آنان که مرگ سرخ را بر سگوت وسازش و تسلیم پذیرفتند. درود بر تمامی شهدای خلق

مدینه غارم مکه و سپس کوفه شد. اگر چه قیام حسین، به دلیل تهاجم نظامی رژیم بر کوفه و کشتار وحشیانه مردم (که موجب وحشت و عقب‌نشینی و بعضا خیانت سران جنبش شد و نیز محاصره و سرکوب گروه پیششار در صحرای کرمان) موقتا با شکست روبرو گردید، ولی خون پاک این دلاوران، نه تنها در کوتاه مدت، سقوط رژیم ارتجاعی یزید را تسریع کرد بلکه در دراز مدت نیز با تجلی اسلام انقلابی، در میدان خونین مبارزه، داغ ننگی بی‌اعتباری بر "اسلامی" زد که بازبجعی منافع طبقاتی و جاهلی رژیم‌های مترجم "موی است و ما تیغ" همدگر دیگر مانده تکثیر، حسین و یارانش را، در طول تاریخ، به قربانگاه این منافع می‌کشاند.

میلاد سرور شهیدان و آزادگان را به تمامی بیروان راستین او، به تمامی آزادگان جان بر کف در هر گوشه جهان، تبریک و تهنیت می‌گویم.

چرا عناصر ضد انقلاب با با مدرک معرفی نمی‌کنند و فقط زبان تن برای تهمت و افترا زدن به کارگران مبارزین است.

ثالثا: خارقانی گفتند که عده‌ای از عناصر ضد انقلاب در سورا نفوذ کرده‌اند و سورا در کار مدیریت اختلال می‌کنند در این رابطه اطلاعاتی هم صادر کرده و گفته است: سورا باید زیر نظر مدیریت باشد. ما فقط از آقای خارقانی می‌بینیم چرا این عناصر ضد انقلاب را با مدرک معرفی نمی‌کنند و فقط زبان تن برای تهمت و افترا زدن به کارگران مبارزین است.

رابعاً: آقای خارقانی صحبت از تولید و کم کاری نموده‌اند. ما هم پرسیم کدام تولید؟! در کارخانه‌ای که تقسیمی اولیه برای نیاده کردن طرح ندارد و دانش باید برای گرفتن نقشه به آمریکا و ژاپن تلکس بزند. با حفظ این روابط صحبت از تولید کردن خیالی بی‌نیست. در مورد کم‌کاری نیز سوال ما این است که آیا سورا باعث کم‌کاری شده؟ یا عناصری که کارگران را سرکوب می‌کنند. چه کسی مرخصی کارگران را کنتورس سورا ۲۴ روز شده بود به ۱۲ روز کاهش داد؟ آیا سورا کارگران را بکشد یا بالا بردن تولید تسبیق و آگاه می‌کنند آیا سورا با خوب و جحاق، عناصر مسلح و افراد ویژه جهت سرکوب در کارگاهها می‌کنند!

آگاهی‌داده به کارگران است اگر به راستی خواهان آگاه کردن کارگران هستید چرا کارگران مبارز و آگاه را اخراج می‌کنند! چرا سوراها را که بدر طالقانی در مورد آن این قدر تاکید داشت و مهمترین وسیله و کلاهسی دهنده است منحل می‌کنند؟! ***

مرکز حکومت، رنج تبعیضات قومی و طبقاتی بیشتری را تحمل می‌کردند (تظنیر کوفه، مرکز عراق که پایگاه آموزش و ارشاد علی و فرزندانش نیز بود) فراهم آورد.

از دیگر اقدامات ایشان بازگرداندن عوامل وابسته و سرسپرده رژیم سابق می‌باشد. متلاصقه‌های را که پس از پیروزی قیام توسط کارگران اخراج شده بوده، برای سرپرستی به کار بازگردانده و عناصر مزدور دیگر مانده شخصی که در زمان طاغوت مأمور حفاظت کارخانه بوده است در شرف بازگشتن می‌باشند.

ما انقلاب بگردیم که قراردادهای امیربانیستی را لغو و اموال تنهارا مصادره کنیم.

س: چندی پیش مدیر عامل مجتمع (بخارانی) در مورد ۱۲ نفر کارگر اخراجی، مصاحبه‌ای با خبرنگاران انقلاب انجام داد. که در روزنامه "تغییر اسلامی" به چاپ رسید. نظرات در مورد آن مصاحبه چیست.

ج: اولاً خارقانی در آن مصاحبه گفته بود که اگر قرارداد "فاسرولیر" قطع شود، ما باید خسارت بپردازیم. در جواب ایشان باید بگوییم ما انقلاب بگردیم و کفر و اموال و دارهای امیربانیستی را لغو و اموال آنها را مصادره کنیم. نه این‌که هراس داشته باشیم که امیربانیست‌ها ما را در دادگاههای فرمایشی محکوم کنند و غرامت بخواهند. مگر ندیدید ملت ما با حکم دادگاه لایحه در مورد کارگرانها چگونه برخورد کرد آیا اصلاً آن را به رسمیت شناخت؟

ثانیاً: خارقانی ۱۲ کارگر اخراجی را ضد انقلاب و ساواکی خوانده است. ولی خود ایشان خوب می‌دانند که اکثریت اخراجی‌ها می‌باشند از جمله کارگرانی هستند که پیوسته خواستار انشعاب‌سازهای ساواکی‌ها و مزدوران رژیم سابق در کارخان بوده‌اند. و ما می‌وجدنفری کارخان اینچنین هستیم از آقای خارقانی می‌پرسیم اگر مدرکی دارند چرا رو نمی‌کنند و اسلا را ساواکی هستیم چرا ما را محاکمه نمی‌کنند.

فقدان زمینیه مساعد برای یک نبرد رو در رو با دشمن را به خوبی احساس می‌کرد. با یک انتطاف انقلابی، مبارزه را از سطحه عمق کشاند تا آماده‌شدن شرایط مناسب به پرورش کادرهای انقلابی پرداخته حسین (ع) نیز در این مورد به برادرش کمک می‌کرد. خانه‌ای دو برادر پایگاه مردان مبارزی بود که در انتظار لحظه پرشکو‌انقلاب، خود را آماده می‌کردند. مأمورین معاویه بارها و بارها گزارش‌های از فعالیت‌های پنهان و تاسه‌های متکون آنان، برای معاویه فرستاده بودند. پس از این‌که امام حسن (ع) به توطئه معاویه به شهادت رسید، حسین (ع) ده سال دیگر، با همین شیوه مبارزه بر علیه ارتجاع اموی را ادامه داد.

حاکمیت خودکامه و غارتگرانه معاویه، زمینیه‌سایسی برای ظهور و رشد جنبش‌های اعتراضی، به خصوص در مناطقی که به دلیل دور بودن از

مضروب کردند و دست آخر نیز آنها را به اتهامات بوج و واهی اخلاک، ضد انقلاب و... اخراج کردند. البته چون هیچ مدرکی نداشتند در اطلاعیهای که صادر شد، نتوانستند، بنا بر تصمیم و دستور... این اشخاص از صنایع فولاد متصل می‌شوند بعد هم که اخراجیها برای اعتراضی رفته بودند آنها را دستگیر کردند. که درحال حاضر نیز تعدادی از آنها در زندان اوین بسر می‌برند.

توسل به جوب و جحاق، عناصر مسلح و فرادویژه برای آگاه کردن کارگران!!

س: با توجه به اظهاراتی که به شورای هماهنگی کردید، لطفاً اقداماتی را که تاکنون سورا داشته است به طور خلاصه بیان نمایند. از اهداف سورا تشکیل یک حرکت ملی پرورزی در سطح شهرستان بود. و همچنین رسمی کردن کارگران بی‌بیمانی، لیکن از ادامه کارش جلوگیری بعمل آمد. سورا قبل از آن موفق شده بود عناصر فاسد و وابسته به رژیم سابق نظیر مهندس لاهوتی را بر زمین نماید. مرخصی کارگران را در ۱۲ روز در سال به ۲۴ روز افزایش دهد. همچنین در زستان گذشته یک جلسه اقداماتی را جهت قطع دست امیربانیست‌ها و وابستگان‌شان تدارک دید.

س: اقداماتی که شورای هماهنگی انجام داده است از نظر مدیریت چگونه بود و اصولاً چه برخوردی در زمینه مدیریت مجتمع با سورا داشته است؟ ج: متأسفانه بعد از قیام هر مدیر و مسئولی که در رأس صنایع فولاد قرار گرفت کمترین قدمی در جهت برآوردن اهداف کارگران و شورای منتخب آنها برداشته است. گذشته از این هرگاه که مبارزه کارگران و سورا جهت قطع نفوذ امیربانیست‌ها و کوه‌تکران دست پیمانکاران وابسته اوج می‌گرفت، با انواع حیلها سعی در منحرف کردن مبارزات کارگران می‌کردند. از جمله جندی پیش پس از انقلاب مدیریت عامل "خارقانی" به شورای هماهنگی مطلع نمودن رسمی نمودن کارگران

محمرومیست و محدودیت پسر رتجدیدماش علی (ع). انحرافی که اگر چنان کم آغاز شد و در ابتدا تنها در صورت محروم کردن و به انزوا کشاندن نیروهای مکتبی (علی و شعیان) جلوه داشت ولی در ادامه خود، به سرعت رشد کرد و به حاکمیت مجدد اشرافیت جاهلی (ولی این بار به لباس مردم فریب اسلام اموی) انجامید. اشرافیتی که در قالب معاویه، تمامی ارزشهای توحیدی را، و زورانه لگدکوب مطامع طبقاتی و جاهلی خود نمود و خلافت ساده و بی آرایش اسلامی را به سلطنت غارتگرانه موروثی بدل کرد. در حاکمیت "شرعی" چنین حاکمیتی تبلیغات و فشار و محدودیت بر علیه نیروهای انقلابی و هواداران اهل بیت آنچنان بالا گرفت که بدتوگی و لعن آنان، جاشی و لازمی هر منبر و خطابه‌ای گردید.

در این شرایط، امام حسن (ع) که پیراکنندی و ضعف نیروهای مبارز و

اگر برآستی خواهان... بیمانی بود. در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۶ شورای "مانا" فاسرولیر تهران جنوب و ماشین سازی پارس" با هم شورای هماهنگی مجتمع را تشکیل دادند.

کارگرانی که به اخراج بی دلیل خود معترض هستند ببازندان اوین فرستاده می‌شوند!!

س: با توجه به اظهاراتی که به شورای هماهنگی کردید، لطفاً اقداماتی را که تاکنون سورا داشته است به طور خلاصه بیان نمایند. از اهداف سورا تشکیل یک حرکت ملی پرورزی در سطح شهرستان بود. و همچنین رسمی کردن کارگران بی‌بیمانی، لیکن از ادامه کارش جلوگیری بعمل آمد. سورا قبل از آن موفق شده بود عناصر فاسد و وابسته به رژیم سابق نظیر مهندس لاهوتی را بر زمین نماید. مرخصی کارگران را در ۱۲ روز در سال به ۲۴ روز افزایش دهد. همچنین در زستان گذشته یک جلسه اقداماتی را جهت قطع دست امیربانیست‌ها و وابستگان‌شان تدارک دید.

س: اقداماتی که شورای هماهنگی انجام داده است از نظر مدیریت چگونه بود و اصولاً چه برخوردی در زمینه مدیریت مجتمع با سورا داشته است؟ ج: متأسفانه بعد از قیام هر مدیر و مسئولی که در رأس صنایع فولاد قرار گرفت کمترین قدمی در جهت برآوردن اهداف کارگران و شورای منتخب آنها برداشته است. گذشته از این هرگاه که مبارزه کارگران و سورا جهت قطع نفوذ امیربانیست‌ها و کوه‌تکران دست پیمانکاران وابسته اوج می‌گرفت، با انواع حیلها سعی در منحرف کردن مبارزات کارگران می‌کردند. از جمله جندی پیش پس از انقلاب مدیریت عامل "خارقانی" به شورای هماهنگی مطلع نمودن رسمی نمودن کارگران

بیمار زخمی‌ها و اول

حسین (ع) جلوه‌ی خونین اسلام انقلابی

تا جرم آن پاک شود. بنابراین بی‌بیم فایده که هیچ، چه در سر... هایی هم دارد. البته اگر سیاست رژیم شاه دنبال شود، لاجرم برای مصرف تولیدات کارخانه باید چند کارخانه دیگر به مبارزه که این مسئله وابستگی به امپریالیزم را بیشتر خواهد کرد.

س: مبارزات کارگران صنایع فولاد قبل از قیام چگونه بوده و بعد از پیروزی قیام به چه صورت، دنبال شده است؟ ج: در سال ۵۷ حدود ۵ هزار نفر کارگران صنایع فولاد با اعتصاب و تعطیل نمودن کارخانه به شهر آمدند و در مبارزات مردم همام با سایر اقشار شرکت نمودند. تعطیلی کارخانه و ورود کارگران به شهر تاثير زيادي بر آگاه شدن مردم و رسد مبارزات داشت. این برنامه باعث شد بسیاری کارگران از کارخانه اخراج شوند (۱۸۰۰ نفر از مانا، بیش از ۱۵۰۰ نفر از فاسرولیر و ۲۰۰ نفر از ماشین‌سازی پارس). ضمناً بیش از ۶ نفر از کارگران در جریان درگیری‌ها زخمی شدند و ۵۲ نفر را نیز دستگیر و روانه زندان کردند.

در اوج قیام کارکنان شافل "مانا" اولین شورای کارکنان را تشکیل دادند. کارگران مانا انتظار داشتند با پیروزی قیام از روابط استعماری گذشته به تدریج راه‌هایی بایند. و به همین جهت فعالیت شورایی خود را با اهداف زیر آغاز نمودند:

۱- اقدام در جهت براه انداختن کارها و فعالیت‌هایی که در جریان قیام تعطیل شده بود. ۲- جهت دادن تولید به سمت یک اقتصاد سالم. ۳- تأمین حقوق حقیقی کارگران. در فاسرولیر تهران جنوب نیز پس از پیروزی قیام شورای کارکنان تشکیل شد. سورا خواستار کوتاه کردن دست پیمانکاران و واسطه‌ها و صنایع فولاد و رسمی نمودن کارگران

بیمار زخمی‌ها و اول

هزاران نفر... سرکن و فروزنده را خاموش کند؟ (از مجاهد شهید رضاشانی) مراسم در ساعت ۵ بعد از ظهر در قطعه ۳۹ بهشت‌زهرا با تلاوت آبای چند از قرآن مجید آغازگشت سپس زندگینامه مجاهد شهید مصطفی ذاکری توسط یکی از برادران عضو انجمن جوانان موجد خوانده شد، آنکه پس از تکرار چند شماره بخش سرود شهادت، پیام سازمان مجاهدین خلق ایران به مناسبت شهادت مجاهد شهید مصطفی ذاکری قرائت گردید. پس از پایان پیام سازمان مجاهدین خلق ایران پیام مادران شهدای مجاهدین خلق

توسط مادر مجاهد شهید محمدرضا طرورشریفی و بدنبال آن پیام‌های انجمن جوانان موجد و انجمن زنان مسلمان خروانه و یاخچی آباد که به مناسبت مراسم بزرگداشت شهادت مجاهد شهید مصطفی ذاکری صادر شده بود، خوانده شد. بعد از قرائت پیامها، برادر مجاهد شهید مصطفی ذاکری متن دستخط گزارشی را که مصطفی شهید در رابطه با حمله امیربانیست‌ها به انجمن جوانان مسلمان میثاق نوشته بود، قرائت کرد. در بین برنامه و فواصل قرائت پیامها جمعیت شرافهراتی را تکرار می‌کرد که برخی از آنها عبارت بود از: "به جرم آزادی، عوامل ارتجاع بکاک و خون می‌کشند مجاهد خلق ما،"

س: راه تو ای مصطفی راه حنیف و رضا خون تو گلگون کند راه شهیدان ما" مراسم بزرگداشت با سخنرانی یکی از برادران مجاهد و بخش سرود نبرد با آمریکا حدود ساعت ۵ بعد از ظهر به پایان رسید.

بیمار زخمی‌ها و اول

بیمار زخمی‌ها و اول عیادت همسر... آنها، فرزندان مجروحان را مورد لطف و محبت خود قرار دادند و با اظهار تاسف شدید از این‌که به نام اسلام این اعمال صورت می‌گیرد اظهار داشتند: "بدرطالقاتی چه مسا- تمند بودند که به‌خداي خوش‌بخت و شهادت‌پیکرین شهدای درآوردند؟ همچنین روز شنبه ۲۳ خرداد ماه راه طالقاتی به همراه تنی چند از مادران شهدای مجاهدین خلق حدود ساعت ۶ بعد از ظهر وارد بیمارستان طرفه شدند. و برادر مجموعان مسخمسد رضا هنرور خبرنگار کانون ارشاد تربیتی که در

راه تو ای مصطفی راه حنیف و رضا خون تو گلگون کند راه شهیدان ما" مراسم بزرگداشت با سخنرانی یکی از برادران مجاهد و بخش سرود نبرد با آمریکا حدود ساعت ۵ بعد از ظهر به پایان رسید.

نظر... کفت من چسه می‌گویم و مشاچه می‌پرسید من از چه رنج می‌برم و شما می‌خواهید چه مسائلی را مطرح کنید امیدوارم هرکس هست دارای تفکری باشد که جلوی اغراضی رفتار را بدون هیچگونه اغماضی بگیرد و عاقلیتش را به شدیدترین وجه مجازات کند. تمام

بیمار زخمی‌ها و اول

جنگ قدرت و تعدد مراکز تصمیم گیری

طول مدت دوران یک انقلاب علاوه بر عوامل بنیادی دیگر، عامل مؤثر در چگونگی شکل گرفتن و ترکیب بندی نهادهای یک بعد از انقلاب قدرت را در دست خواهد گرفت. تجربه تاریخی انقلابی خلقهای آزاد شده بیانگر اینست که تشکیل نهادهای انقلابی و مردمی (همانند ارتش خلق، شوراهای مردمی و...) بنحوی که فاقد هرگونه عناصر غیرانقلابی باشند تنها در یک جنگ دراز مدت تودهای ارگان پذیر خواهد بود. چرا که با تصفیه مستمر از عوامل جنگ، عناصر غیرانقلابی نه تنها فرصتی برای عوام فریبی و میراث خواری نخواهند یافت، بلکه تودهها نیز با شناخت ماهیتشان، هیچگاه آنها را پذیرا نخواهند شد.

بر اساس قانونمندی فوق، می توان به یکی از علل عملکردهای غیرانقلابی نهادهای یک بعد از قیام بهمین گوشه ای که قدرت را در دست گرفته اند، بپردازیم. کوتاه بودن دوران قیام و فقدان یک سازمان انقلابی تودهای، بویژه عدم بلوغ سیاسی و بی تجربگی، و نیز عدم تصفیه عناصر غیرانقلابی از این نهادها را فراهم آورد، و حتی امکان نغز عناصر ضدانقلاب به درون این نهادها را نیز بوجود آورد. اما جناحهای انحصارطلب که همواره مترصد فرصتی برای تمرکز قدرت در دست خود بودند، با وجود آگاهی به این مسائل به ایجاد مراکز قدرت دست زدند. و بدینگونه "جنگ قدرت" آغاز شد.

یکی نمونه عینی آن را هنگام تخلیه یوزها سازمان در باستان ۵۸ شاهد بودیم و تازه این آغاز کار بود. در این جریان علیرغم دستور امام به وزیر دادگستری، شاهد بودیم که آذری قمی را با حکم تخلیه را صادر نمود. در همان وقت، دولت موقت از تعدد مراکز قدرت می ناپدید. و اکنون با تشدید جنگ قدرت عیبتا متفادها رشد بیشتری یافته و مراکز قدرت خودگامتر شدند. بروز چنین مسائلی با توجه به ماهیت سیستم چندان دور از انتظار هم نبوده و نیست. تنها سیستمی قادر به حل این مسئله و از بین بردن مراکز متعدد قدرت است که نهادهای آن در طی یک حرکت سازمان یافته و انقلابی تودهای و دراز مدت (نبرد راهائی بخش ضد امپریالیستی) شکل گرفته باشد.

- اطلاعات (۳/۲۲)، گروهی از دانشجویان دانشگاه کرمان، از برگزاری امتحانات دانشکده ی پزشکی جلوگیری کردند. در این رابطه رئیس دانشگاه کرمان گفت: ما اینها را دانشجویان دانشگاه نمی شناسیم و موضوع را از طریق دادگاه انقلاب بگیریم می کنیم که برای همیشه جلوی اینگونه تخلفات گرفته شود.
- سوی دیگر جامعه اسلامی دانشگاه کرمان اعلام کرد از ادامه امتحانات جلوگیری خواهند کرد. در بی اعلام این خبر، رئیس دانشگاه کرمان گفت امتحانات برگزار خواهد شد.
- انقلاب اسلامی (۲/۱۴)، علامه نوری: ... تجزیه طلبان آنهایی نیستند که جانشینان آنان را می خواهند. تجزیه حاکمیت قانونی دولت در دولت شدن از تجزیه حاکمیت بویژه تضعیف کنند و خطرناکتر است.
- انقلاب اسلامی (۳/۱۷)، بنی صدر: فرستادن پسر از اینکه موقعیت خویش را تحکیم کردند قدرت حرکت انقلاب را در جهت سیر استبدادی جدید منحرف می کنند و با حرکات انقلابی را متوقف می سازند تا زمان متعادل شدن مردم به "مستبد عادل" برسند.
- بامداد (۳/۱۸)، حسن روحانی (یابنده ی ستان در مجلس) طی یک سخنرانی در ستان گفت: یک هوائی ستان که از شهر قاضی زیاد دارد انشاءالله اگر لازم شد فرصتی پیدا کنم (خطاب به مردم) مام برویم
- بامداد (۳/۲۲)، فرماندار شهبور استغراقی، مقامات مطلع شهبور علت استعفای فرماندار را انتقادهای ناپسندیده امام در روستاهای این شهرستان که در مراسم سالروز ۱۵ خرداد ایراد شد، ذکر کردند.
- انقلاب اسلامی (۳/۱۲)،

سخنی با رادیو تلویزیون و برادران پاسدار

گذاشت که تا حدودی افکار عمومی را متوجه گوشه ای از واقعیات زشت و کژیهای ساخت که تاکنون "جماعتی" در جامعه انقلابی ما پدید آورده است.

طبیعی است که برداختن به این سالها بسپارجدی که می رود ابعاد بسیار خطرناکتر ترویستی و از آن استقبال نمی کنیم. البته به شرط آنکه این "برداختن" تا نهایت خود انقلابی و اسلامی بوده و به انعکاس صادقانه واقعیات و ریشه کن ساختن این پدیده ی ضد-انقلابی بیانجامد و ما آمادیم که همواره در این مسیر هرگونه کمک و همکاری را بپذیریم. و اما اگر این آغاز تنها از فشار خودبخودی حوادث ناشی شده باشد و یا اجابت در نیمه ی راه و انحراف رفته و بخواهد و از کنار مسئله بگذرد و به اصلاح به حاشیه برود طبیعتا برخوردی انقلابی و اسلامی نبوده و مردم نیز از نهادها و یا کسانی که مدعی اسلام و انقلابند چنین چیزی انتظار نداشته و نخواهند پذیرفت.

شبه شب و چه در اطلاعاتی روابط عمومی سپاه به عمل آمده است چند نکته قابل توجه وجود دارد که ذیلاً "بدان می پردازیم و توجه عموم هموطنان عزیز و تمام برادران شریف پاسدار را بدان جلب می کنیم:

اولاً از تمام برادران شریف پاسدار که در مقام عضویت در یک ارگانی که در برقراری نظم اجتماعی سهم دارد می خواهیم که خود بیاموزان آنچه در اطراف امجدیه اتفاق افتاده است قضاوت کنند و در حواشی از این دست که بارها و بارها در گوشه و کنار کشور صورت گرفته است (و از این لحاظ ارتباطی با امجدیه و مقرر هم نباشد) چه کسانی مقرر هستند؟ مسلماً فرد در مقام برادران پاسدار که با آرمان پاسداری از دستاوردهای انقلاب فعالیت می کنند در زمره ی کسانی نخواهند بود که خواهان انقلاب دادن به جاق داران و حمله کنندگان به مراسم که متأسفانه آبروی اسلام و حرمت انقلاب را می برند، هستند. ما در اینجا می پرسیم که آیا تقاضا کردن هرگونه عقب نشینی و سخن گفتن با اینها و آنجا گفتن و خلاصه رعایت هرگونه محدودیتی فراتر از قانون ونجویات مسئولین قانونی مملکت، به معنی آوانس دادن و عقب نشینی در برابر جفاکاری و نتایج "ضرب زدن به اسلام و انقلاب نخواهد بود؟ در این صورت آیا شما پاسدار انقلاب و قانون خواهید بود یا پاسدار حريمها و محدودیتهای که جفا داران و گردانندگان آنها می خواهند و تعیین می کنند؟ آیا حوادث روز پنجشنبه و جمع در تجمع در زدنی لایه ی جاسوسی مربوط می شود یا به عموم جفا داران؟ مگر هر روز هزاران نفر در اطراف اینها جاسوسی جمع نمی شوند و راهبهای می کنند؟ آیا هنگامی که باطل و ضدانقلاب حمله می کند، پاسدار انقلاب باید حق و انقلاب را به عقب نشینی دعوت کند هرگز

پس از پخش گزارش خبری جمعه تلویزیون در همین رابطه مصاحبه ای در پایان اخبار شنبه ی بخش می کند. این مصاحبه با مسئولین سپاه پاسداران مستقر در جاسوسی خانه صورت گرفته بود. ما در رابطه با این مصاحبه ابتدا سخنی در تهیه کنندگان آن داریم. و آن اینکه چه در گزارش خبری جمعه شب و چه در مصاحبه شنبه شب آنان با برخی از مردم نگرینند که در مراسم، معاون وزارت کشور و سربست شهبوری، برتکان و برستاران بپارستارها و سپاه پاسداران صحابه کردند. حال آنکه تاکنون به سراغ حاکمین که به هر حال در حوادث پنجشنبه ذریبط بوده و دهها مصدوم و یک شهید داده اند، نیامده اند. اکنون حرف ما این است که لاقل این حداقل حقوق ما را نیز مراعات ننوده و نظرات ما را هم بیامون حوادث مزبور در رادیو تلویزیون منعکس نمایند. همچنین باز هم تقاضای می کنیم، که خاضعیم نوار تلویزیونی مراسم روز پنجشنبه را در اختیاران قرار دهید تا با پخش آن مردم بیغند و قضاوت کنند که حملات جفا داران بر علیه چه مراسم و چه مطالبی صورت گرفته است. بخصوص که در قول فرزند امام (در اظهاراتشان به خبرگزاری پارس بیامون محکوم کردن حمله به مراسم امجدیه) بیاورد سخنرانی نیز کلا" جای طرح داشته و توجه به آن ضرورت دارد.

هزاران نفر بر سر مزار مجاهد شهید مصطفی ذاکری یاد او را گرامی داشتند

هنوز سه روز از شهادت مصطفی ذاکری، ناصرحمدی و مظلومانه ی مجاهد شهید ناصرحمدی شهادت دیگری هستند بر محانت گذشته بود که یکی دیگر از یاران راه مجاهدین خلق و طلوع جامعه ناصرحمدی - مجاهد زینده، مصطفی بی طبعی "مجاهدین خلق ذاکری دانش آموز ۱۵ ساله در - ایران" - "سراج" با اعمال ضد مردمی مراسم بزرگداشت شهدا در امجدیه با گلوی ز- سپید شد.

در روز شنبه ۲۴ خردادماه، بیکر بخون طیبیده ی مصطفی شهید در قطعه ی ۳۹ بهشت زهرا در کنار مزار مجاهد شهید ناصرحمدی و شهادی "مگر ما چه داریم که دشمن را به بیش از جنبش سلحمانی خلق به هراس افکندد؟ مگر دشمن از نظر اسلحه و حمله و نیرنگ و ... چه چیز کم دارد، که قادر نیست این شطی خاک برسد؟

در این روز بهشت زهرا برای ناهد برگزاری مراسم بزرگداشت شهید دیگر از شهدای پرافتخار مجاهدین خلق بود. بعد از ظهر شنبه هزاران تن از یاران مصطفی شهید بر سر مزار او گرد آمدند تا ضمن بزرگداشت خاطره ی دلورپها و جانبازهایی قهرماناناش یاد او را گرامی بدارند.

در این روز گرداگرد قطعه ی ۳۹ با عکسهای از امام خمینی، پدر طالبانی، بنیانگذاران سازمان، شهدای اخیر مجاهدین خلق و هم چنین پلاداردهائی که اکثر مصومین ضد امریکائی و ضد ارتجاعی دانت تزئین یافته بودند. بر روی برخی از پلاداردها جملاتی به مشاهده می شد "شهادی اخیر مجاهدین خلق،

آیتاله لاهوتی در مورد معرفی کردن کلاترانی از سوی بهشتی به عنوان نخست وزیر گفت: این برای اولین بار است که آقای بهشتی در کاری که بنیاد اظهار نظر بکنند نظر می دهد. این عمل آقای بهشتی برخلاف قانون اساسی است.

— خواه در نماز جمعه (۲/۲۴)، معادی عنوان طرفداری از رئیس جمهوری حرفهایی در جهت تصفیه مجلس می زند که باید مجلس شاهنگ با رئیس جمهور شود. مجلس مرکز تصمیم گیری است طبق قانون اساسی البته ریاست جمهوری هم خود را با مجلس اسلامی منطبق خواهند کرد.

● بهمنوی اسلامی (۳/۱۸)، بهشتی: جمهوری قوهی قضائیه حاکم دارم و وظیفه دارم برهمه دستگاههای مملکت گزشتی داشته باشم

● انقلاب اسلامی (۳/۱۳)، بنی صدر: ریاست جمهوری با من است، اما کم نیستد کسانی که می خواهند بدون داشتن مسئولیتها وظایف مرا انجام دهند و وقتی خرابی بنیادتم تصدیقها را در گردن من بیندازند. مسئولیت فرماندهی از طرف امام و عهده ی من قرار گرفته است. اما هستند کسانی که از زور روابط شخصی می خواهند این زورها را به ابزاری در خدمت هوس قدرت طلبی های فردی و گروهی خود تبدیل کنند. ... هستند کسانی که می خواهند هر سه قوهی مجریه، مقننه و قضائیه را در خود خلاصه کنند. اینها برای این انقلاب: خطرناکند و باید دست از رویه ی خود بردارند وگرنه مردم باید دست آنها را کوتاه کنند.

ثانیا: ما می پرسیم چه کسانی پاسداران را تصفیه می کنند؟ آیا جز این بوده است که هر وقت پاسداران موضع ضد امپریالیستی گرفتند ما باید کردیم؟ آیا هربار که احتمال تجاوز و دشمن اصلی انقلاب می رفت ما تمام نیروهای وابسته به سازمان را به حرف نشوی افراد امپریالیستی از برادران پاسدار فرا خواندیم؟ اگر در مواردی انتقاد و یا اعتراضی کردیم ربطی به ضدیت با پاسداران ندارد ما گمان نمی کنیم شما ادعا کنید که اشباه و نقی در کارتان نبوده است.

ثالثا: در مصاحبه شنبه سه مسائل بسیار مهمی مطرح کردید از جمله اینکه افراد مسلح در صحنه بودند. البته آنان تلویحا" به ما نسبت داده شدند و دلایل اینکه خیلی ها مسلحند! و یا اینکه به جانب پاسداران براندازی شده است و حتی یک پاسدار مجروح گردیده است (که البته ادعا شد مژگی هدف گرفته شده اما به کنار دست خوددست و حتی یک بیکار گفت شد که با فنک کلانشیکوف مدوح شده و بار دیگر فتنک کلت ادعا کردید!) یا اینکه چندین فرد مسلح دستگیر شدند که برخی جواز داشتند و برخی نداشتند و گویا همه نیزها زهرا شدند! برادران عزیز! مگر اینها مسائل کوچک و ساده هستند که پس از دو روز آنهم به خوبی که دیدید و شنیدید. عنوان کردید؟ (و ما در همین جا می خواهیم از آن تمام برادران پاسدار می خواهیم که بیگری کنید) تا هرچه در سربز مدرکی که ادعا می شود و اسامی دستگیر شدگان مسلح است آنان که جواز داشتند و نداشتند و دلیل خورشان در محل، هرچه سربز تر افشاگرند تا حق از ناحی آنگار گشته و کسی نتواند کسی را فریبید. راستی پرسیدنی است که در حالی که ما مورین شهبانی که مشمول انتظامات بوده اند بدون سلاح در محل فعالیت می کنند چه می کنند؟ آیا کفایت می شود مجوز داشته اند لاید اینها مربوط به ما بوده اند؟ (۱۴) مسلحان و بالاس معمولی در آنجا حضور داشته اند؟!؟

از علاقمندان آقای شهید که کتبه های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره ۱۴۹۰۰۰ بانک صادرات شماره ۱۴۹۰۰۰ و دفتر به پیچ شمیران واریز نمایند، و حواله ی آن را به صندوق پستی "شهران ۱۶- شماره ی ۶۶/۱۵۵۱ ارسال نمایند.

روزنامه ی "مجاهد" نشریه ی مجاهدین خلق ایران سال اول آذرین: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ی ۶۶/۱۵۵۱